

منی گرام

به اطلاع تمام هموطنان و مشتریان محترم عزیز بانک رسیده میشود که عزیزی بانک ضمن خدمات شبکه جهانی وسترن یونین، خدمات منی گرام (MoneyGram) را نیز آغاز نموده است. اکنون هموطنان و مشتریان محترم عزیز بانک میتوانند در تمام نمایندگی‌های عزیز بانک به داخل و خارج از کشور به زودترین فرصت با قیمت مناسب پول ارسال و دریافت نمایند.

برای معلومات بیشتر با شماره 24 سائقه ما 1515 تماس بگیرید یا به لینک نیل کلیک نمایید

www.azizi.bank.af 1515

یادداشت روز

انتظار افکار عمومی از طالبان قطع جنگ است

تاریخ شروع مذاکرات بین‌افغانی مشخص شده است. قرار است تا کم‌تر از یک هفته دیگر، نمایندگان افغانستان و طالبان در قطر مذاکرات را آغاز کنند. امیدواری این است که این بار کورگره دیگری، مذاکرات را مختل نکند. قرار بود مذاکرات میان افغان‌ها بلافاصله پس از امضای توافق امریکا و طالبان آغاز شود، اما از این موعد مدت زمان زیادی گذشته و هنوز مذاکرات آغاز نشده است. رهایی زندانیان طالبان از زندان‌های حکومت افغانستان، خشونت‌های روزافزون و دوامدار به‌عنوان دو مانع جدی بر سر راه مذاکرات بود. موضوع رهایی زندانیان حل شد. حکومت افغانستان پذیرفته است که ۴۰۰ زندانی خطرناک طالبان را رها می‌کند. با رهاشدن این افراد روند آزادی پنج هزار زندانی طالب تکمیل می‌شود. اما خشونت‌ورزی طالبان به‌عنوان مانع دوم هنوز پابرجاست.

در آستانه شروع مذاکرات بین‌افغانی، انتظار افکار عمومی در افغانستان از طالبان قطع جنگ است. اما پاسخ طالبان به این خواست هنوز گنگ و مبهم است...

۲



اشرف غنی فرمان رهایی ۴۰۰ زندانی «خطرناک» طالبان را امضا کرد

۲

مذاکرات بین‌افغانی در بیست‌وششم اسد در دوحه آغاز می‌شود

اطلاعات‌روز: تلویزیون ملی افغانستان به نقل از منابع معتبر خود گزارش کرده است که گفت‌وگوهای صلح...

۲

نمایندگان مصر در تلاش برای تصویب قانون حمایت از زنان قربانی آزار جنسی

اطلاعات‌روز: نمایندگان مجلس مصر در تلاش برای تصویب قانونی هستند که برای حمایت از...

۶

چالش بزرگ لواندوسکی فقط ۵ گل تا تسخیر تاج و تخت رونالدو در چمپیونز لیگ

روبرت لواندوسکی می‌تواند پس از شش سال رکورد گلزنی جدیدی در لیگ قهرمانان به جا بگذارد...

۷

دو پرسش در دو سناریوی احتمالی پروسه صلح

زیر فشار امریکایی‌ها، سرانجام حکومت افغانستان مجبور شد به رهایی ۴۰۰ زندانی باقی‌مانده طالبان تن در دهد. اشرف غنی، هفته‌ها سعی کرد در برابر درخواست ایالات متحده مقاومت کند، اما از همان آغاز این مقاومت مشخص بود که گزیری از امضای حکم رهایی زندانیان باقی‌مانده طالبان ندارد. مخالفت‌اش با رهایی ۴۰۰ زندانی باقی‌مانده که از اکابر نظامی طالبان هستند، در میان قشر سیاسی داخلی و شرکای استراتژیک افغانستان و دخیل در پروسه صلح به ممانعت در پروسه تفسیر شد. سرانجام اشرف غنی با ترفندی هشیارانه، لویه‌جرگه را فراخواند تا مسئولیت رهایی زندانیان باقی‌مانده طالبان را با مردم تقسیم کند. صدور حکم رهایی زندانیان با مسئولیت لویه‌جرگه این امکان را به غنی می‌دهد که در ماه‌های آینده، اگر پروسه مطابق خوشبینی‌های فعلی به پیش نرفت و طالبان با رهاشدن پنج هزار زندانی‌شان و خروج نیروهای خارجی از...
۵



۵

ویرترین فقر؛ کاروکاسبی پدر سر بازی که ۸ سال پیش به دست طالبان کشته شد



خادم‌حسین با کمک عصایش هر روز صبح، لباس‌های کهنه و دست‌چندم را در کوله‌پشتی می‌اندازد و به محل کارش می‌رود. دیوار خشتی در صدمتری خانه محقر و در محله دورافتاده غرب کابل محل کاسبی خادم‌حسین است. کاسبی که هرگز رونق ندارد، اما تنها کاری است که خادم‌حسین پس از کشته‌شدن فرزندش که سر باز پولیس بود، از عهده‌اش برمی‌آید. وقت چرخ روزگار برعکس می‌چرخد خادم‌حسین که بیش از ۸۰ سال سن دارد، هشت سال قبل یگانه فرزندش را که در ولایت غزنی به‌عنوان سر باز پولیس خدمت می‌کرد، در جنگ با طالبان از دست داد. خادم‌حسین، پیش از آن‌که به کابل بیاید، در روستایش در ولسوالی مرکز بهسود ولایت میدان وردک کشاورزی می‌کرد...

۴

۳۰۰ سرباز ارتش در محاصره طالبان؛ چه می‌گذرد؟ در بالامرغاب بادغیس

ولسوالی بالامرغاب در فاصله ۱۲۰ کیلومتری و در شمال شهر قلعه‌نو، مرکز ولایت بادغیس، به میدان زورآزمایی نیروهای دولتی و طالبان بدل شده است. نمایندگان مردم بادغیس در مجلس نمایندگان و شورای ولایتی مدعی‌اند ۳۰۰ نیروی دولتی در کندک ارتش در بالامرغاب بیش از یک سال است که در محاصره شدید به‌سر می‌برند. عبدالعزیز بیگ، رییس شورای ولایتی بادغیس به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که نیروهای دولتی در محدوده ۴۰۰ متر مربع در داخل کندک ارتش در محاصره شدید به‌سر می‌برند و دیگر نقاط بالامرغاب در اختیار طالبان قرار دارد: ۳۰۰ نیروی پولیس، ارتش، کماندو، قطعات خاص پولیس در داخل کندک ارتش جای‌جا هستند و این افراد در محاصره طالبان قرار دارند. اگر کمک نرسد، مشکل جدی پیش می‌آید...



۴

چرا بر حسب فاشیسم بر سلیمان لایق نمی‌چسبد؟

مسائلی چون جایگاه، حقوق و در مجموع هویت گروه‌ها، مخصوصاً گروه‌ها قومی از همان آوان شکل‌گیری محدوده‌ی جغرافیای‌ای به‌نام افغانستان مطرح بوده و ریشه‌ی عمیقی در تاریخ این کشور دارد. پژوهشگران چگونگی تعامل قدرت سیاسی با قومیت در تاریخ افغانستان را غالباً از دوره احمدشاه درانی بررسی می‌کنند که در آن زمان سلطنت احمد شاه درانی توسط سران قبایل پشتون اداره می‌شد، نه با سازوکار یک دولت متمرکز. نقش اصلی در این دوران را سران اقوام داشتند و سران حکومت در پیش‌برد امور مربوط به سلطنت تا حدودی نقش حاشیه‌ای بازی می‌کردند...

۳

گفت‌وگو با رییس کمیته ۲۸۸ لویه‌جرگه | طنز

ما: حاجی صاحب سلام.
حاجی عینوللق: علیکس سلام.
ما: شما رییس کمیته‌ی ۲۸۸ لویه‌جرگه بودید. کار شما چه بود؟
حاجی عینوللق: ما دکان ولدینگ‌کاری داشتیم.
ما: نه، منظورم کارتان در کمیته‌ی ۲۸۸ بود.
حاجی عینوللق: در کمیته‌ی کدام کار داشتیم.
ما: در ویدیویی که از کمیته‌ی شما گرفته شده، همه‌ی اعضا در حالت نشسته خواب‌اند...
حاجی عینوللق: بلی، خداوند رحمان ...

۳

شرکت سیاحتی مارک



Our Services:

- National and International E-Ticketing Facility
- Holiday Packages
- Group Discounted Air Fares
- Worldwide Hotel Reservation
- Travel Insurance services
- Hajj Umrah Services
- 7/24 Helpline

خدمات ما:

- تکت های داخلی و خارجی
- بسته های سیاحتی
- تخفیف ویژه برای سفر های گروهی
- رزرویشن هتل در تمام نقاط جهان
- بیمه سفر
- خدمات حج و عمره
- ۲۴/۷ ساعت خدمات

ادامه یادداشت‌روز

به‌رغم رهایی زندانیان طالب به‌شمول ۴۰۰ زندانی خطرناک و شروع نزدیک مذاکرات، هنوز طالبان تهدی برای کاهش خشونت و قطع جنگ از خود نشان نداده‌اند. این گروه هر نوع کاهش خشونت و آتش‌بس را منوط به شروع و توافق در حین مذاکرات بین‌الافغانی می‌کند. واقعیت این است که طالبان به این راحتی از خشونت دست‌بردار نیستند. این گروه می‌خواهد همچنان خشونت را به‌عنوان یک اهرم فشار در مذاکرات حفظ کند. سران طالبان می‌دانند که در مذاکرات راه پرچالشی را در پیش رو دارند. زیرا کارنامه حکومت امارتی طالبان در دهه‌ی هفتاد، سیاه و غیرقابل دفاع است. از طرف دیگر، روایت مدنظر طالبان از حکومت‌داری نیز درافغانستان خریدار ندارد تا این گروه بتواند با تکیه بر آن پیش برود. بنابراین، همچنان طالبان در تلاش حفظ کارت خشونت در بازی صلح است. ضمانتی وجود ندارد که طالبان با شروع مذاکرات استراژی فشار از طریق خشونت را کنار بگذارند. اما آنچه که واضح است در موجودیت خشونت اگر مذاکرات آغاز شود، روند صلح دیر یا زود خدشه‌دار می‌شود و مسئولیت آن به دوش طالبان است.

به همین دلیل عمدتا واکنش شهروندان افغانستان به موافقت لویه‌جرگه با رهایی ۴۰۰ زندانی خطرناک طالبان بدینانه بوده‌اند. کم‌تر کسی به نتیجه مذاکرات بین‌الافغانی میان حکومت افغانستان و طالبان خوش‌بین‌اند. ترس و نگرانی مردم از دوام خشونت و جنگ است. واقعیت دیگری این است که حکومت افغانستان زیر فشار سیاسی امریکا با رهایی زندانیان طالبان موافقت کرد و به این صورت یک مانع سر راه آغاز مذاکرات بین‌الافغانی برداشته شد. لایم است ایالات متحده برای توقف خشونت‌ها به‌عنوان مانع بزرگ‌تر که کل روند صلح تحت تأثیر قرار می‌دهد نیز فشارهای بیش‌تری سیاسی را بر طالبان وارد کند. در مدتی که روند صلح جدی شده و امریکا با طالبان توافق‌نامه امضا کرده، مامشات این کشور با گروه طالبان بیش‌تر از فشار بر این گروه بوده است. امریکا این امکان را دارد همان‌گونه که حکومت افغانستان را مجبور به رهایی زندانیان خطرناک طالبان کرد، طالبان را نیز مجبور به تن دادن به آتش‌بس و کاهش خشونت کند. اگر انتظار داشته باشیم طالبان بدون فشار خشونت را کنار بگذارند، ساده‌لوحانه خواهد بود، زیرا ادامه حیات سیاسی- نظامی این گروه وابسته به خشونت است.

تا این‌جای کار برنده اصلی طالبان بوده است. طالبان امتیاز رهایی پنج هزار زندانی خود را به‌دست آورده‌اند. کاری که در هیچ حل منازعه معمول نیست. معمولا رهایی زندانیان مرحله پس از توافق است و برعکس توقف خشونت یک مرحله پیش از توافق است. امریکا در حال ترک‌کردن خاک افغانستان است. از این نیز خوامتی است که طالبان سال‌ها برای آن جنگیده است. مهم‌تر از این دو دست‌آورد، نشست‌های بی‌هم صلح به قیاحت‌زدایی از طالبان و کسب مشروعیت برای این گروه منجر شده است. با همه‌ی این امتیازها طالبان کوچک‌ترین گام برای اعتمادسازی صلح برداشته است. این گروه به توقف خشونت که لازمه جداناپذیر موفقیت یک روند صلح است، تن نداده است.

بنابراین، انتظار افکار عمومی از طالبان قطع جنگ است. این گروه باید استراتژیی خشونت را کنار بگذارند. نتیجه ادامه خشونت، دوام ناامیدی مردم از رسیدن به صلح و افزایش نفرت عمومی از این گروه است. اکنون نوبت آن رسیده است که هر دو طرف برای رسیدن به توافق توان خود را صرف چانه‌زنی دیپلماتیک کنند.

اشرف غنی فرمان رهایی ۴۰۰ زندانی «خطرناک» طالبان را امضا کرد



«رگه به مقصد رفع موانع جهت آغاز مذاکرات صلح، قطع خون‌ریزی و رعایت مصلحت و خیر عام، رهایی تعداد ۴۰۰ زندانی زندانیان مورد نظر طالبان را تأیید می‌نماید.» در پاسخ به این خواست لویه‌جرگه، رییس‌جمهور غنی

وعده سپرد که تمام فیصله‌های این جرگه را عملی می‌کند. با امضای فرمان ۴۰۰ زندانی خطرناک و جنجالی طالبان به نظر می‌رسد موانع سد راه آغاز مذاکرات بین‌الافغانی برداشته شده است.

تولویزون ملی افغانستان بیشتر گزارش کرده بود که

مذاکرات بین‌الافغانی در بیست‌وششم اسد در دوحه آغاز می‌شود

اطلاعات روز: تولویزون ملی افغانستان به نقل از منابع معتبر خود گزارش کرده است که گفت‌وگوهای صلح میان تیم‌های مذاکره‌کننده‌ی حکومت افغانستان و گروه طالبان در بیست‌وششم اسد۱۷ آگست آغاز می‌شود.

بی‌بی‌سی فارسی نیز به نقل از سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر گزارش کرده است که این گروه آماده است طی یک هفته پس از رهایی زندانیان، مذاکرات بین‌الافغانی را آغاز کند. پیش از این جنجال‌ها بر سر رهایی ۴۰۰ زندانی خطرناک طالبان مانع اصلی صلح میان تیم‌های مذاکره‌کننده‌ی حکومت افغانستان و طالبان در بیست‌وششم اسد۱۷ آگست آغاز می‌شود. که این تعداد زندانیان را به دلیل ارتکاب جرایم سنگین جرمی آزاد نمی‌تواند. آقای غنی صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد ۴۰۰ زندانی طالبان را به لویه‌جرگه مشورتی صلح واگذار کرد.

لویه‌جرگه مشورتی صلح در یک

شورای عالی مصالحه ملی در یک

نشست خبری گفته بود که دور اول مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه برگزار می‌شود. سخنگوی دفتر سیاسی طالبان نیز گفته است که دور نخست مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه انجام می‌شود.

استقبال خلیل‌زاد از قطع‌نامه لویه‌جرگه: فرصت تاریخی برای صلح به میان آمده است

او افزوده است که طرفین باید برای دست‌یابی به توافق در مورد نقشه راه سیاسی و آتش‌بس دایمی و جامع برای پایان دادن به جنگ افغانستان، روند گفت‌وگو را آغاز کنند.

نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا برای صلح افغانستان علاوه بر زده است همان‌طوری که امریکا در ۱۹ سال گذشته از مردم افغانستان حمایت کرده، اکنون نیز از زن و مرد افغان حمایت می‌کند تا به صلح

وزارت داخله:

طالبان در یک هفته‌ی گذشته ۸۰ غیرنظامی را کشته‌اند

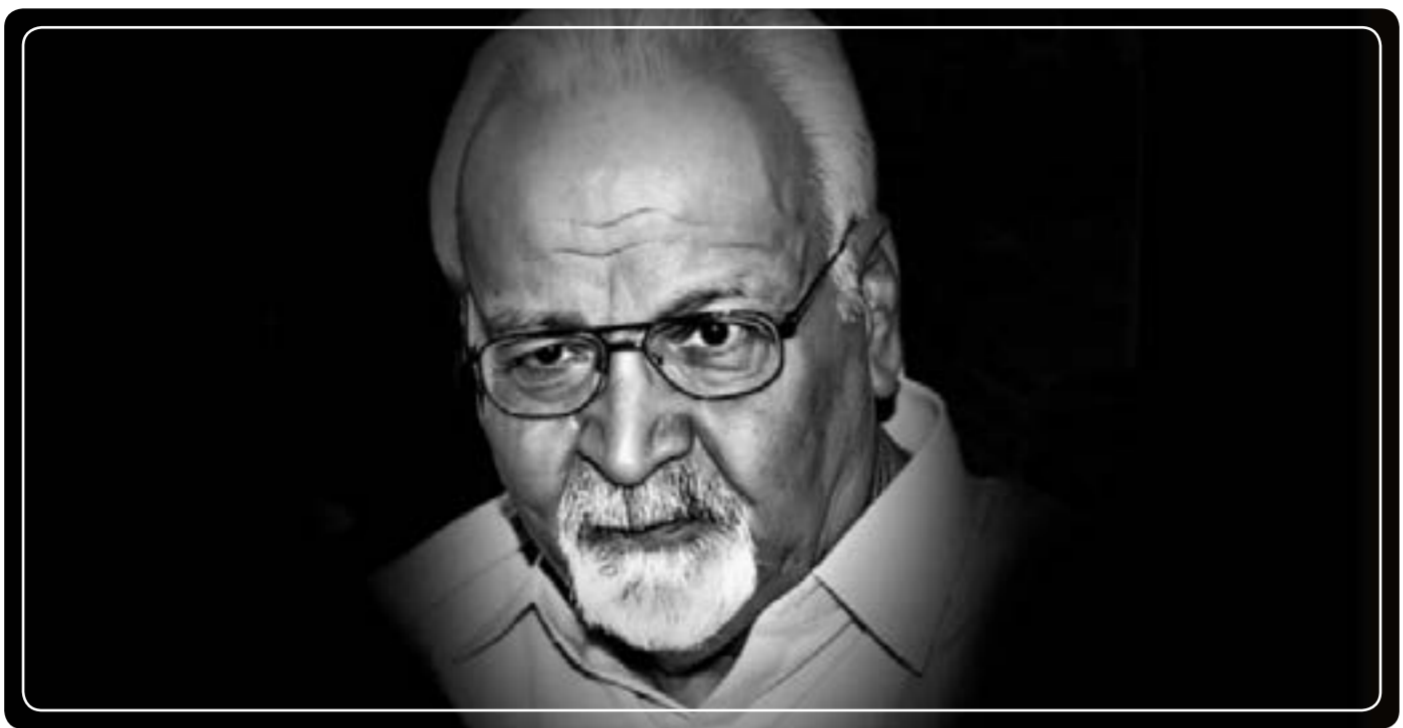
اطلاعات روز: وزارت داخله‌ی کشور اعلام کرد که در یک هفته‌ی گذشته ۸۰ غیرنظامی از سوی جنگ‌جویان گروه طالبان در کشور کشته شده‌اند. طارق آربین، سخنگوی وزارت داخله دیروز (دوشنبه، ۲۰ اسد) در یک کلیپ ویدیویی گفته است که در مدت زمان پادشده ۹۵ غیرنظامی دیگر زخمی شده‌اند. آقای آربین همچنان گفته است که این تعداد غیرنظامیان در نتیجه‌ی تحرکات، حملات تهاجمی و جاسازی ماین‌های کنارجاده‌ای گروه طالبان کشته و زخمی شده‌اند. گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است.

بیش از شش‌هزار جریب زمین از نزد غاصبان در هرات پس گرفته شده است

غضب زمین‌های دولتی در جریان است و تلاش برای بازپس‌گیری این زمین‌ها جریان دارد. به‌گفته‌ی او، قرار است که در روزهای آینده ۲۰ قرارداد استرداد زمین از سوی بخش‌های مختلف ریاست عدلیه صادر شود که از طریق آن صدها جریب زمین از نزد غاصبان زمین پس گرفته می‌شود. نامی در ولسوالی‌های هرات چالش جدی در راستای بازپس‌گیری زمین‌های دولتی از نزد غاصبان گفته می‌شود. ریس عدلیه از نیروهای دولتی می‌خواهد که در راستای تأمین امنیت کارمندان این اداره در ولسوالی‌ها همکاری

چرا برچسب فاشیسم بر سلیمان لایق نمی‌چسبد؟

♦ حمید آزادمنش



مسائلی چون جایگاه، حقوق و در مجموع هویت گروه‌ها، مخصوصا گروه‌ها قومی از همان آوان شکل‌گیری محدوددهی

جغرافیای‌های به‌نام افغانستان مطرح بوده و ریشه‌ی عمیقی در تاریخ این کشور دارد. پژوهشگران چگونگی تعامل قدرت سیاسی با قومیت در تاریخ افغانستان را غالباً از دوره احمدشاه درانی بررسی می‌کنند که در آن زمان سلطنت احمد شاه درانی توسط سران قبایل پشتون اداره می‌شد، نه با سازوبرگ دانشند و سران حکومت در پیش‌برد امور مربوط به سلطنت تا حدودی نقش حاشیه‌ای بازی می‌کردند.

اما پس از روی کارآمدن امیر عبدالرحمان، این معادله دگرگون می‌شود؛ عبدالرحمان در جریان چندین رویاری

و جنگ‌های سنگین داخلی و با تشکیل یک دولت مرکزی قوی، قبایل را از متن تصمیم‌گیری به حاشیه می‌راند. مسایمتی که امیر عبدالرحمان برای تضعیف قبایل به‌کار می‌بندد، سیاست تفرقه بینداز حکومت کن، است. با این روش عبدالرحمان در میان اقوام دشمنی ایجاد کرد تا هیچ‌گاهی نتوانند یک مشت متحد علیه دولت باشند. اما ادامه این سیاست‌ها رفته رفته منتهی به تک‌قومی‌سازی قدرت سیاسی نسبت به هر زمان دیگری نیز بزرگ‌تر شد. برکت کارمل که براساس برخی روایات‌ها تاجیک بود، توانست شش سال کشور را رهبری کند، از میان هزاره‌ها سلطان‌علی کشمندت تا نخست‌وزیری پیش رفت و زمینه برای ترکمن هویت‌تبارها نیز هموار شد که در رده‌های نظامی و در عرصه‌های ملکی نیز چندین وزارت در اختیار داشتند. قابل یادآوری‌ست که قبل از روی کارآمدن حزب دموکراتیک خلق افغانستان از راه‌یافتن هزاره‌ها، اوزبیک‌ها و ترکمن‌ها فاشیسم به رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان نمی‌چسبید؟

در اندیشه مارکسیسم که احزاب چپی در سراسر دنیا از آن الهام گرفته بوده‌اند قاعدتا جامعه به دو دسته کلان تقسیم می‌شود: طبقه بهره‌کش و طبقه زحمت‌کش. طبقه حاکم بهره‌کش یا همان طبقه بورژوا که با در اختیارداشتن ابزار و وسایل تولید بر طبقه زحمت‌کش یا همان طبقه پرولناریا سلطه می‌راند که این سلطه به باور مارکس ا رسیدن اکثریت زحمت‌کش به آکهی درونی و اتفاق افتادن یک انقلاب کارگری ادامه خواهد داشت. (هرچند انقلاب اکثر به رهبری لینن یک انقلاب کارگری خوانده می‌شود، اما این انقلاب قبل از طی‌شدن مسیری را که مارکس در «جبر تاریخی» مطرح می‌کند اتفاق افتاد). با توجه به تقسیم‌بندی بالا، واحد تحلیل اندیشه چپ، نه گروه‌های قومی، مذهبی یا هر تشکل دیگری بلکه دو طبقه فرادست و فرودست می‌باشد. یعنی قاعدتا طرح بحث قومیت و مذهب و پیش‌گیری سیاست‌های قوم‌گرایانه نمی‌توانستند برخلاف اصول ایدئولوژی خود عمل کنند. حسی سلیمان لایق از پیروان برجسته این طریقت بود، در لیست دشمنان رسمی دولتی قرار داشت که سلیمان لایق عضو مجلس شورای اسلامی بود. این حال او در واقع با وفاداری که به ایدئولوژی چپ داشت به دشمنی با پدر و اجداد نیاکان خویش رفته بود. با این حال چگونه می‌توان برچسب فاشیست‌بودن را به سلیمان لایق چسباند؟ سلیمان لایق آن‌همه که در فاشیست بلکه یک انقلابی آتشین و متعهد به آرمان‌های کمونیسم بود.

طنز

گفت‌وگو با رییس کمیته ۲۸۸ لویه‌جرگه

ما: حاجی صاحب سلام.

حاجی عینوللق: علیکس سلام.

ما: شما رییس کمیته‌ی ۲۸۸ لویه جرگه بودید. کار شما چه بود؟

حاجی عینوللق: ما دکان ولدینگ‌کاری داشتیم.

ما: نه، منظور کارتان در کمیته‌ی ۲۸۸ بود.

حاجی عینوللق: در کمیته کدام کار نداشتم.

ما: در ویدیویی که از کمیته‌ی شما گرفته شده، همه‌ی اعضا در حالت نشسته خواب‌اند…

حاجی عینوللق: بلی، خداوند رحمان و رحیم خواب را خلق کرده تا امتش استراحت کنند.

ما: شما چطور در لویه جرگه شرکت کردید؟

حاجی عینوللق: ما زیاد شوقی این قسم مجلس‌ها نیستیم.

بچه‌ها گفتند پیسه سر ما می‌دهند، جیب خرجی می‌دهند، برو.

از ما یک دختر کلانم هم در کابل زندگی می‌کند. داماد ما ظهورشاه جان زیاد در تلفن سر ما زور آورده که بابه جان حتما به کابل بیا. باز این گوش چپ ما زونگس می‌کند. دو سال شده.

اولادها گفتند این راهم در کابل به داکتر نشان بده. به این‌جا که رسیدیم به ما گفته شد که شما رییس کمیته هستید.

ما: شما به آزادی چهارصد زندانی طالبان رای می‌دهید؟

حاجی عینوللق: رای؟ باز انتخابات شده؟

ما: نه، منظور این بود که به نظر شما چهارصد زندانی طالبان باید آزاد شوند؟

حاجی عینوللق: آزاد شوند یا نشوند، این کار دولت است.

ما به کار دولت کار نداریم. یک سوال داشتیم ما. معاش رییس کومیته چند است؟

ما: متأسفانه ما در این باره اطلاعی نداریم.

حاجی عینوللق: ما شنیده بودیم که به رییس کمیته یک لک افغانی می‌دهند. پیش‌تر معلم جانان در وقت چای گفت که پیسه را کم کرده‌اند. گفت به رییس‌های کمیته‌ها چهل هزار می‌دهند. سابق این قسم مرداری نمی‌کردند.

ما: شما قبلا هم در لویه جرگه‌ها شرکت کرده بودید؟

حاجی عینوللق: بلی. در زمان کززی صاحب آمده بودم. آن دفعه به من یک چین دادند، یک واسکت، پنجاه هزار افغانی. یک جای‌نماز هم بود. در آن وقت پیسه‌ی افغانی ارزشش زیاد بود.

ما: به نظر شما آزاد شدن زندانی‌های طالب به آمدن صلح

کمک می‌کند؟

حاجی عینوللق: کار خودشان است. فایده می‌کند، فایده نمی‌کند، به ما کار نیست. ولی پیسه‌ی ما را که می‌خورند نامردی است. اگر داده نمی‌توانید از اول مرد و مردانه بگویید داده نمی‌توانیم. از لیلندت از پکتیا از کجا و کجا ما آوردید، حالی می‌گویید یک لک نیست، چهل است. نام خود را مرد گذاشتند. من دو بچه‌ام را در دکان ولدینگ تنها گذاشتم که به ملک یک خدمت کشم. حالی پیسه‌ی ما را نمی‌دهند. دارند. به خدا قسم شوهر خود را به پایه انگشت خود در یکجا در دهن خود می‌کنند. ما: اگر طالبان…

حاجی عینوللق: والله طالب سگش سر این‌ها شرف دارد.

طالب هزار عیب داشته باشد پیسه آدم از نمی‌خورد.

ما: نظر شما در مورد برخوردی که با خاتم بلقیس روشن شد چیست؟

حاجی عینوللق: آن همشیره را می‌گویی که در کم‌ریه تلفن روی خود را آرایش می‌کرد؟

ما: نه، خاتم روشن پادتان نیست که…

حاجی عینوللق: خوب خوب، حالی فهمیدم. والله به فکر من کار خوب نکرد. اشرف غنی هرچه هست پادشاه است. در مقابل پادشاه یک زن باید بی‌حیایی نکند. کلش از خاطر فیس‌بوک است. من در فیسبوک دیدم که یک زن هندوستانی شوهر خود را به پایه‌ی طویله بسته کرده بود، با خودم لاش می‌کرد.

ما: شما فیسبوک دارید؟

حاجی عینوللق: بلی، باش به شما نشان بدهم… این است.

این‌جا.

ما: این که فیسبوک الحاج توریالی هلمندی است.

حاجی عینوللق: خوب من همسم دیگر. توریالی نام نواسه‌ی من است. بچه‌ها این را برابم ساختند. گفتند ساعتت تیر شود.

ما: پس ساعت‌تان تیر است.

حاجی عینوللق: اوووو، بسیار زیاد. گوش کن. حاجی غفار رفیقم است. دو هفته پیش در فیسبوکم عکس خانم نو خود را فرستاد. در امارات زندگی می‌کند. بچه‌اش حکیم جان خبر ندارد که باباش در امارات زن گرفته. عکس را اشتباهی فرستاد. ما به یک دو و آیسکریمزات کردیم…

ماناسکرین‌شات.

حاجی عینوللق: همو. هرچه که هست. برایش خبر دادیم

که به فاشلیش نشان شدیم. سه روز پیش برابم یک ساعت رادو روان کرد. ههههههه. فیس‌بوک خوبی هم دارد.

ما: حاجی صاحب، خیلی تشکر از وقت تان.

حاجی عینوللق: هههههه. ترمیدی از ما؟

۳۰۰ سرباز ارتش در محاصره طالبان؛

در بالامرغاب بادغیس چه می‌گذرد؟

♦ **واجد روحانی** – هرات

ولسوالی بالامرغاب در فاصله ۱۲۰ کیلومتری و در شمال شهر قلعه‌نو، مرکز ولایت بادغیس، به میدان زورآزمایی نیروهای دولتی و طالبان بدل شده است. نمایندگان مردم بادغیس در مجلس نمایندگان و شورای ولایتی مدعی‌اند ۳۰۰ نیروی دولتی در کنکد ارتش در بالامرغاب بیش از یک سال است که در محاصره شدید به‌سر می‌برند.

عبدالعزیز بیگ، رییس شورای ولایتی بادغیس به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که نیروهای دولتی در محدوده ۴۰۰ متر مربع در داخل کنکد ارتش در محاصره‌ی شدید به‌سر می‌برند و دیگر نقاط بالامرغاب پولیس، ارتش، کماندو، قطعات خاص پولیس در داخل کنکد ارتش جابه‌جا هستند و این افراد در محاصره طالبان قرار دارند. اگر کمک نرسد، مشکل جدی پیش می‌آید.»

وزارت دفاع ملی در مورد محاصره‌ی نیروهای دولتی در کنکد ارتش در بالامرغاب، ابراز نظر نمی‌کند. اما یک منبع معتبر در لوای

مقر، قادس، چوند پیش‌تر خواهد شد و حتا طالبان خودشان را به دروازه‌های شهر قلعه‌نو خواهند رساند.» آقای اکازی می‌گوید که بارها وضعیت بد امنیتی بالامرغاب را با مقام‌های ارتش در محاصره‌ی طالبان قرار دارد و فشار زیاد روی این نیروها است.

ترس از گسترش جغرافیای جنگ

ضیاءالدین اکازی، نماینده مردم بادغیس در مجلس نمایندگان، حکومت را به بی‌پروایی در راستای حمایت از نیروهای دولتی مستقر

در بالامرغاب متهم می‌کند. او در صحبت با اطلاعات روز هشدار می‌دهد در صورتی‌که کمک به سربازان گیرمانده در کنکد ارتش نرسداه شود، سقوط این کنکد دور از امکان نیست.

او از پیامدهای منفی سقوط کنکد ارتش به‌دست طالبان به‌شدت نگران است: «اگر کنکد ارتش در بالامرغاب سقوط کند، جنگ‌جویان آشنایی ندارند و آنان به زبان‌های جغرافیای جنگ در ولسوالی‌های آب‌کمری،

خادم‌حسین با کمک عیاشیش هر روز صبح، لباس‌های کهنه و دست‌چندم را در کوله‌پشتی می‌اندازد و به محل کارش می‌رود. شصت و چندساله و دختر ۱۸ ساله‌شان، در محله دورافتاده غرب کابل محل کاسبی خادم‌حسین است. کاسبی که هرگز رونق ندارد، اما تنها کاری است که خادم‌حسین پس از کشته‌شدن فرزندش که سرباز پولیس بود، از عهده‌اش برمی‌آید.

وقت چرخ روزگار برعکس می‌چرخد

خادم‌حسین که بیش از ۸۰ سال سن دارد، هشت سال قبل یگانه فرزندش را که در ولایت غزنی به‌عنوان سرباز پولیس خدمت می‌کرد، در جنگ با طالبان از دست داد.

خادم‌حسین، پیش از آن‌که به کابل بیاید، در روستایش در ولسوالی مرکز بهسود ولایت میدان وردک کشاورزی می‌کرد. او حدود ۱۲ سال پیش به امید زندگی بهتر از روستا به شهر کوچ کرد، اما چرخ روزگار علیه او چرخید. شریف، یگانه پسر خادم‌حسین، وقتی ۲۱ سال داشت به پولیس ملی افغانستان پیوست و حدود هشت سال پیش در یکی از ولسوالی‌های ولایت غزنی توسط طالبان کشته شد.

مرگ شریف، شوک بزرگی به‌خادم‌حسین و همسرش وارد کرد؛ در حدی که هر دو حالا دچار بیماری اعصاب شده‌اند و نه جزئیات مرگ پسرشان را می‌دانند و نه هم عدد دقیق سن خودشان را. خادم‌حسین و همسر پیرش فقط می‌دانند که حدود هشت سال قبل شریف در غزنی کشته شد و جنازه‌ی او سه همرزش را در مسجدی در غرب کابل آوردند؛ یک روز چهار جنازه را در مسجدی

گزارش

♦ **ضیاالدین اکازی، نماینده مردم بادغیس در مجلس نمایندگان می‌گوید که بر اثر پرتاب هاوان در ولسوالی بالامرغاب طی یک هفته گذشته، ۱۴ غیرنظامی کشته و ۳۵ تن دیگر زخمی شده‌اند. او می‌افزاید که عامل تلفات این شمار از غیرنظامیان نیروهای دولتی مستقر در کنکد ارتش در بالامرغاب هستند؛ «افزایش تلفات غیرنظامیان از سوی نیروهای دولتی، باعث افزایش فاصله میان حکومت و مردم خواهد شد.»**



چندی پیش عبدالغفور ملکززی، والی پیشین بادغیس نیز در صحبت با اطلاعات روز، حضور جنگ‌جویان خارجی را در ولسوالی بالامرغاب تأیید کرده بود. او گفته بود که این جنگ‌جویان با سلاح‌های پیشرفته مجهز به دوربین‌شب هستند.

چندی پیش عبدالغفور ملکززی، والی

پیشین بادغیس نیز در صحبت با اطلاعات روز، حضور جنگ‌جویان خارجی را در ولسوالی بالامرغاب تأیید کرده بود. او گفته بود که این جنگ‌جویان با سلاح‌های پیشرفته مجهز به دوربین‌شب هستند.

چندی پیش عبدالغفور ملکززی، والی

پیشین بادغیس نیز در صحبت با اطلاعات روز، حضور جنگ‌جویان خارجی را در ولسوالی بالامرغاب تأیید کرده بود. او گفته بود که این جنگ‌جویان با سلاح‌های پیشرفته مجهز به دوربین‌شب هستند.

چندی پیش عبدالغفور ملکززی، والی

پیشین بادغیس نیز در صحبت با اطلاعات روز، حضور جنگ‌جویان خارجی را در ولسوالی بالامرغاب تأیید کرده بود. او گفته بود که این جنگ‌جویان با سلاح‌های پیشرفته مجهز به دوربین‌شب هستند.

ویتترین فقر؛

کاروکاسبی پدر سربازی که ۸ سال پیش به‌دست طالبان کشته شد

♦ **نصف‌علی سلطانی**



چند نان به خانه می‌آورم»

صفورا از شریف خاطرات زیادی ندارد

شریف وقتی کشته شد، صفورا خواهرش ۱۰ سال سن داشت. او به‌دلیل کم‌سن‌وسالی‌اش

www.etilaatroz.com

کنکد ارتش به‌سر می‌برند، مورد پرتاب هاوان و راکت قرار می‌گیرد. او از کمبود آذوقه در این کنکد ابراز نگرانی می‌کند و از حکومت مرکزی می‌خواهد که به این مشکل رسیدگی فوری کنند: «بر طیاره‌ها از سوی طالبان وقتی که کشته‌ها و زخمی‌ها را منتقل می‌کند، یا تجهیزات نظامی و غذا می‌آورند، انداخت می‌شود.» منبعی از لوای سوم ارتش در بادغیس نیز می‌گوید اکمالات نیروهای ارتش در کنکد به هیچ عنوان از طریق زمین به‌دلیل تهدیدات بلند امنیتی امکان‌پذیر نیست. او می‌گوید اجازه ندارد که در مورد وضعیت آشفته امنیتی در بالامرغاب با رسانه‌ها صحبت کند.

تلفات بلند غیرنظامیان؛ «عامل طالبان هستند»

ضیاءالدین اکازی، نماینده مردم بادغیس در مجلس نمایندگان می‌گوید که بر اثر پرتاب هاوان در ولسوالی بالامرغاب طی یک هفته گذشته، ۱۴ غیرنظامی کشته و ۳۵ تن دیگر زخمی شده‌اند. او می‌افزاید که عامل تلفات این شمار از غیرنظامیان نیروهای دولتی مستقر در کنکد ارتش در بالامرغاب هستند: «افزایش تلفات غیرنظامیان از سوی نیروهای دولتی، باعث افزایش فاصله میان حکومت و مردم خواهد شد.»

اما وزارت دفاع ملی، عامل تلفات غیرنظامیان را گروه طالبان می‌داند. فواد امان، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی می‌گوید که به هیچ عنوان نیروهای دولتی غیرنظامیان را هدفمندانه هدف قرار نمی‌دهند: «هیچ گاهی به شکل عمدی، نیروهای افغان مثل گروه‌های تروریستی و طالبان بالای افراد ملکی و بی‌دفاع حمله نمی‌کنند. نیروهای امنیتی و دفاعی برای حفاظت از جان افراد ملکی از هیچ تلاشی مردم خواهد شد.»

اما وزارت دفاع ملی، عامل تلفات غیرنظامیان را گروه طالبان می‌داند. فواد امان، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی می‌گوید که به هیچ عنوان نیروهای دولتی غیرنظامیان را هدفمندانه هدف قرار نمی‌دهند: «هیچ گاهی به شکل عمدی، نیروهای افغان مثل گروه‌های تروریستی و طالبان بالای افراد ملکی و بی‌دفاع حمله نمی‌کنند. نیروهای امنیتی و دفاعی برای حفاظت از جان افراد ملکی از هیچ تلاشی مردم خواهد شد.»

اما وزارت دفاع ملی، عامل تلفات غیرنظامیان را گروه طالبان می‌داند. فواد امان، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی می‌گوید که به هیچ عنوان نیروهای دولتی غیرنظامیان را هدفمندانه هدف قرار نمی‌دهند: «هیچ گاهی به شکل عمدی، نیروهای افغان مثل گروه‌های تروریستی و طالبان بالای افراد ملکی و بی‌دفاع حمله نمی‌کنند. نیروهای امنیتی و دفاعی برای حفاظت از جان افراد ملکی از هیچ تلاشی مردم خواهد شد.»

اما وزارت دفاع ملی، عامل تلفات غیرنظامیان را گروه طالبان می‌داند. فواد امان، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی می‌گوید که به هیچ عنوان نیروهای دولتی غیرنظامیان را هدفمندانه هدف قرار نمی‌دهند: «هیچ گاهی به شکل عمدی، نیروهای افغان مثل گروه‌های تروریستی و طالبان بالای افراد ملکی و بی‌دفاع حمله نمی‌کنند. نیروهای امنیتی و دفاعی برای حفاظت از جان افراد ملکی از هیچ تلاشی مردم خواهد شد.»

اما وزارت دفاع ملی، عامل تلفات غیرنظامیان را گروه طالبان می‌داند. فواد امان، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی می‌گوید که به هیچ عنوان نیروهای دولتی غیرنظامیان را هدفمندانه هدف قرار نمی‌دهند: «هیچ گاهی به شکل عمدی، نیروهای افغان مثل گروه‌های تروریستی و طالبان بالای افراد ملکی و بی‌دفاع حمله نمی‌کنند. نیروهای امنیتی و دفاعی برای حفاظت از جان افراد ملکی از هیچ تلاشی مردم خواهد شد.»

اما وزارت دفاع ملی، عامل تلفات غیرنظامیان را گروه طالبان می‌داند. فواد امان، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی می‌گوید که به هیچ عنوان نیروهای دولتی غیرنظامیان را هدفمندانه هدف قرار نمی‌دهند: «هیچ گاهی به شکل عمدی، نیروهای افغان مثل گروه‌های تروریستی و طالبان بالای افراد ملکی و بی‌دفاع حمله نمی‌کنند. نیروهای امنیتی و دفاعی برای حفاظت از جان افراد ملکی از هیچ تلاشی مردم خواهد شد.»

پس از جست‌وجوی فراوان سرانجام یک عکس کوچک از او آورد. این عکس غبارآلود و تاریک، شریف را در لباس سرباز پولیس نشان می‌دهد.

براساس قانون امور ذاتی پولیس، سربازی اگر در میدان جنگ کشته می‌شود، ضمن پرداخت اکرامیه، معاش او برای زمان مددی به بستگانش پرداخت می‌شود. اگر سرباز کشته‌شده فرزند داشته باشد، تا آخرین فرزندش هجده سالگی را تکمیل نکند، معاشش پرداخت می‌شود و اگر همسر و فرزند نداشته باشد، تا پدر و مادرش در قید حیات هستند، از آن مستفید می‌شوند.

خشک‌خود می‌گوید، تنها برای دو سال، سالانه ۵۰ هزار افغانی معاش او را دریافت کرده است. صفورا می‌گوید شش سال قبل معرواش شریف قطع شد. به گفته‌ی او، ریاست شهدا و معلولان در آن زمان تمام مدارک شریف را از او گرفته و گفته که شهدای نیروهای امنیتی و دفاعی کشور به حدی زیاد شده است که دولت دیگر توان پرداخت معاش آنان را بیش از دو سال ندارد. صفورا هم که در آن زمان کوچک بوده، تمام مدارک شریف را تحویل داده است: اما فقط برای دو سال پس از مرگ شریف معاش او را گرفتم.

پس از آن وزارت شهدا و معلولان گفت که آبی برای خانواده‌اش تهیه می‌کنند. هر چند او توان پرداخت معاش آن همه شهید را ندارد. تمام اسناد شریف را از من گرفت و پس از آن معاش شریف قطع شد.»

شریف اول در خوست پولیس بود و بعد به غزنی تبدیل شد. در غزنی کشته شد.» تمام مدارکی که نشان دهد شریف سرباز پولیس بوده و در غزنی کشته شده، هم نابود شده است. صفورای ۱۸ سال، خواهر شریف، تماس‌های مکرر موفق به این کار نشدیم.

تحلیل

نگرانی می‌کند. عبدالقادر رحیمی، رییس این کمیسیون در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، تأکید دارد که باید طرفین درگیر جنگ قواعد جنگ و اصول بشردوستانه مدنظر بگیرند. او می‌گوید که باید حفظ جان و مال غیرنظامیان در صدر برنامه‌های طرفین متازعه در جنگ باشد: «متأسفانه تا جایی‌که ما می‌بینیم، طرفین درگیر متازعه مسلحانه، توجه کمی به جان و مال مردم بی‌دفاع کرده‌اند. باید تلفات غیرنظامیان به حداقل برسد. کمیسیون مستقل حقوق بشر همواره در مورد منازعات مسلحانه تشویش خود را اعلان کرده است.»

دودی که به چشم مردم می‌رود

گروه طالبان از ترس اکمالات نیروهای دولتی در کنکد ارتش در بالامرغاب، اجازه عبور و مرور موترهای باربری، از طریق پل نزدیک این کنکد روی رودخانه مرغاب را نمی‌دهند.

رانندگان موترهای باربری سنگین‌وزن مجبورند که در عمق آب رودخانه مواد مورد نیاز را در بالامرغاب و ولایت‌های شمالی منتقل کنند.

گفته می‌شود چندین مرتبه در جریان سال‌جاری به‌دلیل عمق آب، موترهای باربری واژگون شده و خساره هنگفت به رانندگان وارد شده است.

رییس شورای ولایتی بادغیس می‌گوید که طالبان موترهای باربری را تنها از منطقه‌ی موسوم به «اکازی‌ها» در فاصله چهار کیلومتری شرق ولسوالی بالامرغاب اجازه عبور از رودخانه را می‌دهند.

او می‌افزاید که برای عبور موترهای نیزرفتار و موتورسایکل از روی رودخانه مرغاب، باشندگان محل قایق‌های کوچک از ولایت نمروز به بالامرغاب منتقل کرده‌اند، تا رفت و آمد در دو طرف این رودخانه مختل نشود.

عبدالعزیز بیگ، رییس شورای ولایتی بادغیس، طالبان را متهم می‌کند که از خانه‌های مسکونی برای هدف قرار دادن نیروهای دولتی مستقر در کنکد ارتش در بالامرغاب استفاده می‌کنند: «طالبان هاوان را راکت از خانه‌های مسکونی بر کنکد پرتاب می‌کنند، هر روز نیروهای دولتی و زخمی می‌شوند، فشار بالای این نیروها زیاد است. نیروهای دولتی مجبور می‌شوند که برای مقابله با طالبان و زودتر گنده‌های‌شان را درو کنند، برای این‌که حملات شدید این گروه بالای کنکد ارتش کشور، از افزایش تلفات غیرنظامیان ابراز

«که ندهد، چطور کنیم؟»

با شیوع ویروس کرونا در کشور و وضع قیودات بر کشت‌وگذار، به شمار فقرا افزوده شد. دولت برای کمک‌رسانی به مستمندان

طرح توزیع نان خشک را روی دست گرفت. سهم خادم‌حسین و خانواده‌اش از این کمک، دو تا نان در ۲۴ ساعت بوده است.

پس از شیوع ویروس کرونا در کشور و در پی نگرانی از تأثیرات آن بر اقتصاد افغانستان، جامعه جهانی حدود دو میلیارد دلار به افغانستان کمک کرد. حکومت اما تا کنون از این کمک‌ها فقط به مستمندان نان خشک توزیع کرده است. به گفته‌ی شهردار کابل در برنامه‌ی توزیع نان خشک حدود یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون افغانی هزینه شده است.

خادم‌حسین به‌دلیل این‌که پسرش را در جنگ در برابر طالبان از دست داده و خودش هم پیر است و دیگر از کار افتاده است خود را بیش‌تر از هر کسی دیگر مستحق دریافت کمک می‌داند. با این وضع اما او فقط دو نان خشک دریافت کرده و حالا دیگر از نان خشک هم خبری نیست.

وضع ظاهری زندگی خادم‌حسین نشان می‌دهد که او نماد درماندگی است. در کنار خادم‌حسین خانم پیرش با ریسنده‌گی و درآمد ناچیز در تقلای کمک به شوهرش است. خادم‌حسین می‌گوید: «کمک که می‌آمد می‌رفتم پیش وکیل کوچه و شکایت می‌کردم اما وکیل هیچ در قصام نبود. خود وکیل بوجی بوجی از در خانه خود می‌برد. که ندهد چطور کنیم؟» او به تکرار می‌گفت: «که ندهد چطور کنیم؟»

سه‌شنبه ۲۱ اسد ۱۳۹۹ | سال نهم | شماره ۱۹۶۰ — اطراف‌ها — ۱۵



دو پرسش در دو سناریوی احتمالی پروسه‌ی صلح

♦ **خادم‌حسین رحیمی**

باح‌دهی به طالبان و واگذاری افغانستان به این گروه و پاکستان است. حکومت افغانستان در غیبت حمایت امنیتی و سیاسی متحدین استراتژیک‌اش و مخصوصا امریکا، توان دوام امنیتی صلح و در برابر طالبان را ندارد؛ گروهی که فارغ از سرسختی در جنگ، اکنون حمایت آشکار حکم رهایی زندانیان باقی‌مانده‌ی طالبان ندارد. مخالفت‌اش با رهایی ۴۰۰ زندانی باقی‌مانده در ایالات متحده، فارغ از پیروزی ترمپ یا بایدن، موضع و رویکرد این کشور در برابر طالبان از رویه‌ای که اکنون دارد، تغییر کند و ناچاری مستعجل با پیامد «باح‌دهی» به طالبان جایش را به تعامل سیاسی مناسب ببرد؛ با این گروه عوض کند، می‌توان امیدوار بود که کابوس بلعیده‌شدن افغانستان به کام خشونت امارت اسلامی و استیلای حداکثری پاکستان خفند.

اگر افغانستان با نیمه‌ی خالی لیوان صلح مواجه شود، آینده فارغ از این‌که تارکک و مبهم است، خونین خواهد بود. طالبان از حمایت حامیان منطقه‌ای سمج و توان نظامی مخربی برخوردار است. حکومت افغانستان امکان لویه‌چرگه و ارتباط سیاسی با یک شبکه‌ی ۳ هزار نفری از متنفذین قومی، فعالان سیاسی و اجتماعی خلق کرده، موضع بهتری در برابر طالبان داشته باشد.

موضع غنی قابل دفاع بود. رهایی زندانیان یک گروه شورشی و تروریستی در سرانجام مذاکرات و آستانه یا پس از عقد توافق که به‌عنوان پیش‌شرط آغاز مذاکرات، «باح‌دهی» آشکاری است که مهتدس آن خلیل‌زاد بود. رهایی زندانیان گروهی که به‌جای نشان‌دادن حسن‌نیت نسبت به مذاکره و تعامل، خشونت‌ها و حملاتش را افزایش داده و پیدا و پنهان از رؤیای فتح‌المبین، برگشت امارت اسلامی و استیلا بر افغانستان و به‌عنوان امتیازات تفکر تمامیت‌طلبی‌اش سخن می‌گوید، هیچ معنایی جز «باح‌دهی» ندارد. و غنی مجبور شد

قرار است به‌زودی و در روزهای پیش‌رو مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه آغاز شود. مذاکراتی که بسیار پر تنش و پیچیده خواهد بود، زیرا مواضع دوطرف برابر نیست. توافق دوحه، طالبان را در مواضع بهتر قرار داده و عملا پیش از آغاز مذاکرات، امتیازات فراوانی را در اختیار این گروه قرار داده است.

امریکایی‌ها شتاب دارند تا در ظرف حدود صد روز که در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور مانده، پروسه‌ی صلح افغانستان به حدی پیشرفت داشته باشد که بتواند به‌عنوان یک گریبث سیاسی قابل توجه برای روبریک امریکایی‌ها با پروسه‌ی صلح افغانستان پس از نتایج‌های نام‌بر این کشور، همچنان جاری باشد که فعلا جاری‌ست. افغانستان ماه‌های دشوار و سختی در پیش دارد. رویکرد فعلی این کشور با پروسه‌ی صلح افغانستان، عملا

برای افغانستان پیامد داشته باشد.

خواستیم در این مورد پاسخ مسئولان این وزارت را ببوریم اما سخن‌گوی این وزارت به تماس‌های ما جواب نگفت. کارگرانی که با خبرنگار اطلاعات روز مصاحبه کرده‌اند، گفته‌اند که مسئولان وزارت کار گاهی در کارخانه می‌آیند اما به صدای کارگران گوش نمی‌دهند و به شکایت‌های‌شان رسیدگی نمی‌کنند.

رضا منتظر به اطلاعات روز گفت فرستاده‌های وزارت کار و امور اجتماعی با سر زدن به کارخانه‌ها تنها با مسئولان و کارفرمایان دیدار می‌کنند و کسی صدای کارگر را نمی‌شنوند: «وقتی مسئولان وزارت کار برای چند ساعت برای کارگران مواد و لباس ایمنی توزیع می‌شود، ولی پس از آن دوباره لباس‌های ایمنی پس گرفته می‌شود و اعتراض‌ها نیز شنیده نمی‌شود.»

مسئول روابط عمومی کارخانه ذوب آهن میهن استیل به اطلاعات روز می‌گوید، مسئولان وزارت کار و امور اجتماعی تنها در هر سه ماه یا چهار ماه از کارخانه‌ها بازدید می‌کنند.

سخن‌ای احمد پیمان، معاون اتاق صنایع و معادن افغانستان نیز می‌گوید که به نسبت عدم تطبیق قانون تا هنوز رابطه‌ی معیاری میان کارگر و کارفرما در پارک‌های صنعتی وجود ندارد. آقای پیمان می‌گوید که این وضعیت در مورد کارگرانی است که از روی مجبورت کار می‌کنند و کارگران فنی نیستند.

آقای پیمان می‌گوید مسئولیت وزارت کار و امور اجتماعی است که برای کارگران شرایط معیاری فراهم کنند. او می‌گوید که کارخانه‌ها بیش‌ترشان با کارگران قرارداد دارند، اما این‌که عملی نمی‌شود باید از طرف وزارت کار پی‌گیری شود.

به گفته‌ی آقای پیمان با وجود آن هم بیش‌تر کارگران از این‌که بیکاری زیاد است شرایط دشوار را تحمل می‌کنند: «این شرایط افغانستان است، نباید با اروپا یا امریکا مقایسه شود.»

محمدکریم عظیمی، رییس هیأت عامل اتاق صنایع و معادن کابل می‌گوید که شرایط دشوار ممکن با کارگرانی باشد که در گروه‌های ۲۰ - ۳۰ نفری کار را به شکل اجاره از صاحبان کارخانه‌ها می‌گیرند. آمار دقیق این کارگران مشخص نیست. به گفته‌ی آقای عظیمی، کارگران در این گروه‌ها مستقیماً با صاحبان کارخانه قرارداد ندارند و مسئولیت شرایط دشوار کار به دوش سرپرستانی است که قرارداد عمومی با صاحبان کارخانه دارند: «مقصر همان سرپرستان و تیکه‌داران است و سوءاستفاده هم اگر می‌شود از سوی آنان می‌شود.»

آقای عظیمی دشواری‌های کارگری را می‌پذیرد اما می‌گوید که وضعیت پارک‌های صنعتی در افغانستان در عموم معیاری نیست. به گفته‌ی آقای عظیمی پارک‌های صنعتی از سوی دولت حمایت نمی‌شود و امکانات لازم را برای کار معیاری ندارد.

بخش‌های کلیدی که بیش‌ترشان شهروندان پاکستانی‌اند با کارگران رفتار معیاری ندارند و آنان را با خطرات زیادی روبه‌رو می‌کنند. به گفته‌ی رضا کارگران با وجود معاش کم در بسیار موارد، بر اثر بی‌توجهی مسئولان با خطرهای قطع دست و پا، معیوب‌شدن و حتا مرگ روبه‌رو می‌شوند، اما از سوی کارفرمایان و سرپرستان‌شان این موارد مخفی نگهداشته می‌شود: «حتا ممکن است کسی به کره ذوب بیفتد و دود شود. این خطرات وجود دارد. مواردی که اتفاق می‌افتد نیز مخفی نگهداشته می‌شود.»

عدم تطبیق بیمه‌ی صحی، عدم رعایت نکات بهداشتی و رسیدگی به صحت کارگران در صورت بروز حوادث از چالش‌های دیگر کارگران است. این کارگران می‌گویند که در برابر حوادث هیچ‌گونه بیمه‌ی صحی نیز در کارخانه‌ها وجود ندارد و به آن توجه نمی‌شود.

درحالی‌که در قانون کار افغانستان آمده است: «کارکنان اقتصادی و اجتماعی دارای حق تأمین شرایط صحی (بهداشتی)، ایمنی محیط کار و تولید، آموزش حرفه‌ای، تقویت مهارت‌ها، ارتقای سطح دانش فنی هستند.» همچنان در قانون کار آمده که کارفرما مکلف است تا قواعد ایمنی، سلامت محیط، آتش نشانی، عرضه خدمات اولیه صحی و سایر قواعد حفاظت کار را به‌صورت مداوم به کارکنان آموزش دهد.

براساس قانون، کارفرما وظیفه دارد که در صورت وقوع حادثه، کارگر را به شفاخانه ببرد و هزینه‌ی داروی او را فراهم کند. همچنان براساس قانون کار، کارگر از امتیازهای مثل خدمات صحی و مساعدت مالی در صورت کهولت سن، مریضی و معلولیت نیز مستفید می‌شود.

امید فضلی، مسئول روابط عامه کارخانه‌ی ذوب آهن میهن استیل نیز می‌پذیرد که در کارخانه‌ها موارد زخمی‌شدن و معیوبیت وجود دارد، اما با وجود آن هیچ‌گونه مرکز صحی وجود ندارد. او از دولت می‌خواهد که برای تأسیس یک مرکز صحی که مورد نیاز پارک‌های صنعتی است اقدام کند.

آقای فضلی با رد گفته‌های کارگران به این نظر است در کارخانه‌ها به نیازهای صحی کارگران رسیدگی می‌شود. آقای فضلی گفت که تاکنون در کارخانه‌ی ذوب آهن میهن استیل موردی از مرگ کارگر در جریان کار ثبت نشده است و در دو سال اخیر تنها یکی-دو مورد کارگران معیوب شده که به آن رسیدگی شده است.

آقای فضلی می‌گوید از حدود ۳۵۰ کارگری که در کارخانه‌ی ذوب آهن میهن استیل کار می‌کنند، تنها ۴۰ کارگر بدون قرارداد کاری‌اند. هم‌زمان آقای فضلی ادعای ۱۶ ساعت کار را رد می‌کند.

وزارت کار چه می‌کند؟

مسئولیت نظارت از تطبیق قانون کار را وزارت کار و امور اجتماعی به عهده دارد.

بهره‌کشی در پارک‌های صنعتی کابل: «۸۵ درصد کارگران قرارداد کاری ندارند»

◆ لیاقت لایق



امتیازات کارکن، اوقات و ساعت کار طبق قانون کار افغانستان، مشخص شود.

رحمان توانا یکی از کسانی است که تجربه کار در پارک‌های صنعتی را دارد، اما او تنها توانسته است یک روز را در یک کارخانه ذوب آهن تحمل کند. رحمان می‌گوید، برایش غیر قابل تصور بوده است، وقتی که به کار شروع کرده هیچ شرایط و معیاری برای کار با او مقرر نشده است.

رحمان که فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم اجتماعی است می‌گوید در آن یک روز از ساعت پنج بامداد کار را شروع کرده و تا ساعت ۱۰ شب کار کرده است: «برایم غیر قابل تحمل شد و غیر قابل تصور بود. از کارگران سوءاستفاده می‌شود و آنان از روی جبر اعتراضی هم نمی‌توانند. در چنین شرایط کارگران خواب درست و کافی ندارند. حتا برای غذا خوردن هم وقت کافی نداشتیم. برعلاوه رفتار انسانی هم وجود ندارد. کارگران توهین و تحقیر می‌شوند.»

محیط‌های خطرناک و ناسالم

عدم رعایت شرایط بهداشتی و ایمنی نیز از چالش‌هایی است که کارگران کارخانه‌های پارک‌های صنعتی از آن شکایت دارند.

محمد جمعه، یکی از کارگران می‌گوید که در هنگام کار در یکی از کارخانه‌های ذوب آهن بارها زخمی شده اما از سوی مسئولان آن کارخانه توجهی نشده است.

رضا منتظر نیز می‌گوید که مسئولان کارخانه‌ها هنوز نکرده‌اند.

رضا منتظر، کارگری است که از چهار سال به این سو در پارک‌های صنعتی کابل در بخش‌های مختلف، از جمله در کارخانه‌های ذوب آهن کار کرده است. رضا می‌گوید در این مدت هیچ‌گونه قراردادی با صاحبان کارخانه‌ها نداشته و همین‌گونه صدها کارگر در هر کارخانه بدون قرارداد کار می‌کنند. از این‌رو شرایط و معیارهای حقوقی و ایمنی کار نیز رعایت نمی‌شود.

ساعت‌های طولانی کار

رضا منتظر، کارگری است که از چهار سال به این سو در پارک‌های صنعتی کابل در بخش‌های مختلف، از جمله در کارخانه‌های ذوب آهن کار کرده است. رضا می‌گوید در این مدت هیچ‌گونه قراردادی با صاحبان کارخانه‌ها نداشته و همین‌گونه صدها کارگر در هر کارخانه بدون قرارداد کار می‌کنند. از این‌رو شرایط و معیارهای حقوقی و ایمنی کار نیز رعایت نمی‌شود: «تنها کاپی تذکره می‌گیرند و هیچ‌گونه شرایط و معیارها تعیین و تضمین نمی‌شود. سرپرستان و مسئولان کلیدی که بیش‌ترشان شهروندان پاکستانی‌اند هر آنچه که بخواهند انجام می‌دهند و حقوق و معیارها را رعایت نمی‌کنند.»

رضا می‌گوید که بارها کارگران خواسته‌اند که به‌گونه‌ی جمعی صدای‌شان را بلند کنند، اما از سوی سرپرستان تهدید به از دست‌دادن کار شده و ناگزیر شده‌اند که خاموش باشند. به علاوه رضا می‌گوید که اگر صدای‌شان را بلند و مشکلات‌شان را بازگو کنند از سوی سرپرستان‌شان توهین و تحقیر می‌شوند.

از چالش‌های عمده‌ی کارگران نبود نظم در ساعات کاری است. کارگران ساده معمولاً با معاش ماهوار هشت تا ۱۲ هزار افغانی کار می‌کنند. با این معاش شماری از کارگران گفته‌اند گاهی شده که روزانه تا ۱۶ - ۱۷ ساعت کار کنند. رضا می‌گوید که معیار کار روزانه هشت ساعت است، اما از آنان تا ۱۶ ساعت هم کار می‌کنند و هیچ‌گونه معاش اضافی هم برای آنان پرداخت نمی‌شود.

در قانون کار افغانستان زمان رسمی کار ۴۰ ساعت در هفته تعیین شده که روزانه به هشت ساعت می‌رسد. همچنان در این قانون آمده است که هر کارگر و کارفرما باید قرارداد مکتوب داشته باشند که براساس آن کارمند طبق لایحه وظایف مشخص کار کند و در برابر آن حقوق و امتیازات دریافت کند. در قانون کار آمده است که در قرارداد کاری باید «مشروعیت، معین‌بودن موضوع قرارداد، عدم موجودیت موانع قانونی در انجام کار، نوع کار و یا حرفه‌ای که کارکن در آن مشغول می‌شود، مزد، حقوق و

شماری از کارگران و مسئولان نهادهای حامی کارگری می‌گویند در پارک‌های صنعتی کابل از قانون کار خبری نیست و ۸۵ درصد کارگران در کشور به‌شمول کارگران پارک‌های صنعتی قرارداد کاری ندارند. نبود قرارداد کاری و کار در محیط‌های خطرناک و ناسالم، بی‌نظمی در ساعات کاری و رفتارهای توهین و تحقیرآمیز کارفرمایان از برجسته‌ترین چالش‌های کارگران در پارک‌های صنعتی کابل است. این مشکلات سبب شده است که از کارگران «بهره‌کشی ظالمانه» شود.

بنابر گفته‌های مسئولان اتحادیه ملی کارگران، ۸۵ درصد کارگران در افغانستان به‌شمول کارگران پارک‌های صنعتی بدون قرارداد کاری کار می‌کنند.

دهها پارک صنعتی فعال در کابل و ولایات وجود دارد. دهها هزار کارگر در این پارک‌ها کار می‌کنند. بنابر آمار اتاق صنایع معادن تنها در پارک صنعتی پلچرخ کابل بیش از ۷۰۰ کارخانه در ۲۵ بخش فعال است و حدود ۴۰ هزار کارگر و کارمند در آن مشغول به کارند.

اسدالله مجبور، مسئول روابط عمومی اتحادیه‌ی ملی کارگران افغانستان وضعیت نابه‌سامان کارگران در پارک‌های صنعتی را «بهره‌کشی ظالمانه» می‌خواند و می‌گوید این وضعیت سال‌هاست که در بیش‌تر کارخانه‌ها وجود دارد اما توجهی برای رفع آن نمی‌شود: «در کارخانه‌ها از کارگران بدون قرارداد و مقررات مانند «قرون اولیه» کار کشیده می‌شود. درحالی‌که قانون و مقررات کار وجود دارد، اما تنها روی کاغذ است و از طرف کارفرماها و صاحبان کارخانه تطبیق نمی‌شود.»

مسئولان اتحادیه ملی کارگران می‌گویند دولت نیز در کنار کارفرمایان و صاحبان کارخانه‌ها نسبت به کارگران بی‌توجه است. به گفته‌ی آقای مجبور به شکایات و پیشنهادات کارگران از طرف دولت توجه نمی‌شود. با آن‌که نهادهای زیادی در چارچوب وزارت کار و امور اجتماعی در حمایت از کارگران وجود دارد، اما این نهادها کار مؤثری در جهت رفع چالش‌های کارگری در کارخانه‌ها هنوز نکرده‌اند.



یکی از کارخانه‌های ذوب آهن در پارک صنعتی پلچرخ کابل